



جدال شورهچ (فیلمساز)

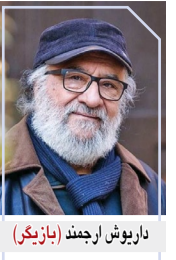
ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

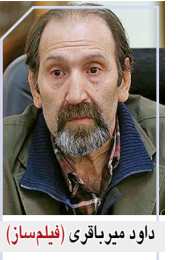
رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)



شهریار بحرانی (فیلمساز)



نارویز ارچمن (بازیگر)



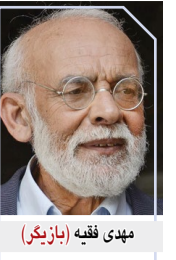
داود میربالبی (فیلمساز)



مرتضی شعبانی (استندساز)



پروانه معصومی (بازیگر)



مهدی قلیچ (بازیگر)



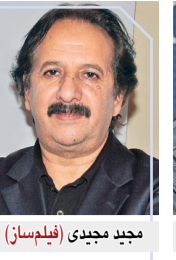
ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)



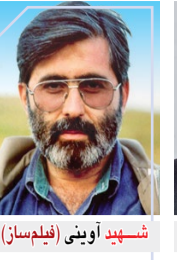
فرج‌الله سلحشور (فیلمساز)



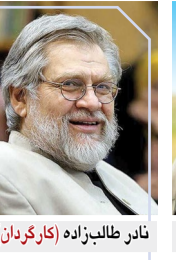
هادی محمدیان (پویانما)



مجید مجیدی (فیلمساز)



شهید اویسی (فیلمساز)



ناصر طالب‌زاده (کارگردان)

واکوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینما توگراف ۲

سرانجام دل‌روهای قطری

کار خودشی را گره

سعید مستقانی

بخش نود و پنجم

همان گونه که پیش‌بینی می‌شد فیلم «فروشنده» تولید مشترک کمپانی منتوی فرانسه و انستیتوی فیلم دوحه (قطر) علی‌رغم قوانین آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا (که ملیت کمپانی تهیه‌کننده فیلم، کشور آن را منحصی می‌کند) به عنوان نماینده ایران، نامزد اسکار بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان ۲۰۱۷ شد! این درحالی بود که پیش از این نیز برخلاف فیلم‌ها و ضوابط جشنواره فیلم کن، فیلم یاد شده پس از به پایان رسیدن زمان تعیین شده و بسته شدن کنکائوکر جشنواره، درآن پذیرفته شد و در کنار هر ۶ فیلم دیگری که توسط کمپانی قطری انستیتوی فیلم دوحه، تولید و در جشنواره کن شرکت داده شده بودند، جوایزی نیز از این جشنواره دریافت نمود!

اما آنچه پیش از نامزدی نهایی فیلم «فروشنده» برای اسکار فیلم خارجی زبان قابل تامل بود، در میان شگفتگی کارشناسان و منتقدان، حذف اغلب رقبای اصلی این فیلم توسط مدیریت آکادمی اسکار طی دو مرحله بود. در مرحله اول که که ۹ فیلم برای این رشته برگزیده می‌شدند، فیلم‌های مهمی همچون «خولیتا» ساخته پدرو آلمادور، «فرودا» به و خصوص فیلم «و» ساخته پل وروهوفن (که «فروشنده» به لحاظ موضوعی بسیار به آن شباهت داشت) از لیست اولیه خط خوردند. فیلم «و»، در سال ۲۰۱۷ در صدر لیست بسیاری از منتقدین قرار داشت و در اغلب مراسم اهدای جوایز به عنوان فیلم برتر رشته آثار خارجی زبان برگزیده شد و چندی پیش نیز در مراسم گلدن گلوب «فروشنده» را پشت سرگذازد و جایزه بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان را دریافت کرد. در مرحله دوم نیز از میان ۹ فیلم باقیمانده بازهم آثار قابل توجه آن که می‌توانستند رقبای جدی برای فیلم «فروشنده» در مراسم اسکار محسوب شوند (همچون «پارادایس» و «انتخاب پادشاه»؛ نیز از فهرست نامزدان حذف شدند و به جای آنها چند فیلم گمنام و کم شناسن همچون «سرزمین من»، «مردی به نام اوه» و «تتا» باقی ماندند که در هیچ‌کدام از لیست‌های برگزیده‌ها به چشم نخورده و به گفته اغلب منتقدان هیچ شانسى برای دریافت اسکار نداشتند!



گویا دل‌راهی امیر قطر بالاخره کار خودش را کرد و میدان را برای اسکار فیلم «فروشنده» تقریبا خالی کرد. البته تنها رقیب جدی باقیمانده، فیلم «تونی آرمن» محسوب شد. دل‌راهی قطری پیش از این در صحنه جهانی کارهایی کارستان انجام داده بود؛ از جمله تغییر نام خلیج‌فارس در به اصطلاح معتبرترین مؤسسات و مراکز مرجع جغرافیایی غرب مانند نشنال جوجگرافیک یا کشاندن جام جهانی به قطر که هیچ سابقه قابل ذکری در فوتبال حتی غرب آسیا هم نداشت!

در این میان کسب یک جایزه اسکار که خرج چندانی روی دستشان نمی‌گذاشت! لازم به ذکر است سال ۲۰۱۶ نیز برخی نشريات غربی از جمله «گاردين»

اعتراف کردند برای اینکه میدان اسکار فیلم‌های خارجی زبان برای فیلم صهیونیستی «بسر نشاول» خالی باشد، پیش از معرفی ۵ نامزد اصلی، فیلم‌های مهمی مانند «محمد رسول‌الله» (مجید مجیدی) «آدمکش» (از تایوان) و «کبوتری روی شاخه نشست» (برنده جایزه اول جشنواره ونیز) و… از لیست اصلی خط خوردند!

قطر در اسکار از ایران پیشی گرفت!

بالاخره فیلم «فروشنده» اصغر فرهادی اسکار بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان را در مراسم اهدای جوایز آکادمی در فوریه ۲۰۱۷ دریافت کرد. اما در حالی که سازندگان فیلم «فروشنده» و ریاست سازمان سینمایی و گروهی از هواخواهان فرهادی به اسکار فیلم یاد شده افتخار کرده و آن را دومین موفقیت ایران در اسکار به ششمار آوردند، خواهر امیر قطر و رئیس اصلی «انستیتوی فیلم دوحه» (سرمایه‌گذار فیلم «فروشنده»، اسکار فیلم «فروشنده» را چهارمین موفقیت و کمپانی قوق در عرصه جوایز آکادمی اسکار دانست!

«المیاسه بنت حمد بن خلیفه آل ثانی» خواهر امیر قطر در شی که به فیلم «فروشنده» اسکار فیلم غیر انگلیسی زبان داده شد، در صفحه رسمی فیس بوک خود نوشت:

«… افتخار می‌کنم که به عنوان اولین بنیاد سینمایی عربی، در سه سال متوالی ۴ بار نامزد اسکار شدم و امشب اسکار بهترین فیلم خارجی را گرفتم…»

منظور خواهر امیر قطر از ۴ نامزدی اسکار، اشاره به فیلم‌های «ذئب» از اردن، «موستانگ» از ترکیه، «تیمبوکتو» از موریتانی و «فروشنده» از ایران بود که انستیتو فیلم دوحه سرمایه‌گذار آنها به ششمار آمد. با احتساب این ۴ نامزدی و اینکه انستیتوی فیلم دوحه و خواهر امیر قطر، اسکار فیلم «فروشنده» را هم متعلق به انستیتوی خود و کشور قطر دانست، قطر با یک اسکار و ۳ نامزدی از ایران با یک اسکار و یک نامزدی پیشی گرفت!

چندان هم بی‌راه نبوده، چراکه در قوانین بین‌المللی هم مالکیت یک پدیده، کالا و یا هر شیء در صورت عدم واگذاری و یا ملاحظاتی خاص، متعلق به فرد یا گروهی محسوب شده که سرمایه و هزینه و یا به زبان ساده پول آن را پرداخت کرده‌اند و ادعاهایی مانند مالکیت معنوی و از این قبیل در سیستم اقتصاد امروز، در مراحل بعد قرار گرفته و به نوعی تعارف قلمداد می‌شود.

نماینده «فروشنده» در مراسم اسکار؛

یک فراری از ایران که به آمریکایی بودنش افتخار می‌کند!

اصغر فرهادی علی‌رغم تمایل شدید به شرکت در مراسم اسکار، اما به دلیل ممنوعیتی که ترامپ وضع کرده بود، طبعاً نمی‌توانست به آمریکا رفته و در مراسم یاد شده حضور پیدا نماید، از همین روی وقتی همه امیدهایش را برپاد رفته دید، ناگزیر گفت که برای اعتراض به نژادپرستی ترامپ در این مراسم شرکت نخواهد کرد یعنی به قول معروف، «روغن ریخته را نذر امامزاده کرده!» اما برای اینکه به هر حال حضور خود را به خصوص در هنگام دریافت جایزه‌اش، نشان دهد، اسامی دو نفر ایرانی-آمریکایی را برای دریافت جایزه و رفتن روی سن مراسم، اعلام کرد.

فیروز نادری یکی از دو نماینده اصغر فرهادی برای دریافت اسکار فیلم «فروشنده» بود و طی بیانیه‌ای ضدایرانی که در وب سسایت گویا نیوز (وابسته به سازمان سیا) انتشار یافت، اعتراف کرد پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ایران فرار کرده و کشور او آمریکااست و به آمریکایی بودنش افتخار می‌کند!

او در بیانیه خود که در ۲۰ بند تنظیم شده بود در حالی که از عدم سخنرانی علیه جمهوری اسلامی هنگام دریافت جایزه اسکار دفاع نمود اما فعالیت‌های ایران را مجرمانه و ضد حقوق بشرتر خواند! وی علنا اظهار داشت که ملت ایران توسط نظام جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده و از همین روی بمباران ایران توسط آمریکا کار درستی نیست؛ وی ضمن اعتراف به ملاقات با رضا پهلوی، او و پدرش (یعنی شاه) را آدم‌هایی وطن‌پرست معرفی کرد!

فیروز نادری در ادامه بیانیه‌اش، رسماً مسلمانی خود را تکذیب کرد و اعلام نمود که حکومتی سکولار و غیر دینی را برای ایران می‌پسندد!

فیروز نادری درحالی که از سوسوی اصغر فرهادی به عنوان نماینده مردم ایران به روی صحنه اسکار رفت، نوشت:

«…چرا به کشور خود بازمی‌گردم؟ آمریکا کشور من است و من به دلیل فرصت‌هایی که آمریکا در اختیار من قرار داده استست به این جایی که امروز هشتم رسیدم. پس ایران چه می‌شود؟ من ایران بدم و در سال ۱۹۷۹ از افرادی مثل من خواستند که آنجا را ترک کنیم. به همین دلیل هم، ما و من ایران را ترک کردیم.»

تولید آثار سینمایی و تلویزیونی در ژانر تاریخی

کار بسیار سخت و دشواری است، چراکه بایستی زیرساخت‌های لازم را در اختیار داشته باشیم و ضرورت دارد که پژوهش‌ها و تحقیقات مقتضی هم در این زمینه انجام شود. رسانه ملی هم طی سال‌های پس از انقلاب کارهای متعددی را در خصوص ساخت مجموعه‌ها و فیلم‌هایی با ژانر تاریخی به‌ویژه تاریخ معاصر انجام داده و در برخی از این مجموعه‌ها هم با موفقیت همراه بوده است به‌طوری که توانست مخاطبان زیادی را جذب کند. با آغاز دوره جدید تحول در سازمان صداوسیما و ماموریتش بر حول دو موضوع هویت محوری و عدالت‌گستری و نگاه جدید سازمان صداوسیما به ظرفیت‌های غنیم استان‌ها، طی سه سال اخیر شاهد تولیدات فاخری از مراکز صداوسیمای استان‌ها بودیم که از شبکه‌های ملی و سراسری صداوسیما پخش شده است. یکی از مجموعه‌هایی که مربوط به فرهنگ و آداب و رسوم یکی از اقوام تاریخی و رشیدهار کشورمان یعنی گیلان است هم اکنون در حال پخش از شبکه یک سیماست.

این مجموعه در روایت یک بانوی فداکار، مبارز و متدین گیلانی در دوره‌ای تاریخی یعنی دوران ستم شاهی پهلوی اول و دوم است که با پرداختی داستانی و دنباله‌دار به مخاطبان ارائه می‌شود. «سوجان» داستان و روایت یک بانوی فداکار، مبارز و متدین گیلانی در دوره‌ای تاریخی یعنی دوران ستم شاهی پهلوی اول و دوم است که با پرداختی داستانی و دنباله‌دار به مخاطبان ارائه می‌شود. این مجموعه که از زوایای مختلف به زندگی سه نسل از قصه‌ماور بزرگ سوجان می‌پردازد، قصد دارد که مخاطب را با جاذبه‌های طبیعی بصری‌اش که الهام گرفته از طبیعت سرسبز و جنگل‌های گیلان است بیشتر به خود جلب کند و بنظر می‌رسد که در این بخش توقیفات خوبی هم کسب کرده است چراکه یکی از موردهایی که سبب جذب مخاطب بیشتر به مجموعه تلویزیونی «سوجان» شده است طبیعت زیبا و سرسبز گیلان زمین است که مخاطب علی‌رغم روایت داستان آن ترجیح می‌دهد که به تماشای این طبیعت بنشیند و لذت ببرد.

داستان روایت قوم گیلک در مسیر تاریخ و ادبیات ناب گیلان که با ترانه‌های محلی و باورپذیرش که الهام گرفته از کار و تلاش روستائیان است هرچیننده تلویزیونی را پای تلویزیون می‌نشاند، از طرفی هم نویسنندگان فیلمنامه این اثر تلاش کرده‌اند که آنچه را می‌خواهند به تصویر بکشند و به واقعیت‌های تاریخی نزدیک باشد. بنابراین ساخت

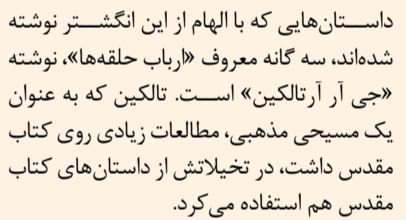
این اثر تاریخی به‌واسطه نگارش فیلمنامه آن که چند سالی طول کشید و همین‌طور پیداکردن لوکیشن و فضای طبیعی مجموعه «سوجان» نشان داد که برخی از کاراکترهای اصلی این مجموعه مثل شخصیت اول داستان یعنی شخصیت مادر بزرگ سوجان که ثریا قاسمی ایفاگر نقش آن است به‌خوبی

نگاهی به سریال «سوجان»

معمایی گمشده در دل تاریخ

اگرچه مجموعه «سوجان» بواقع به یک رمان عاشقانه و اجتماعی در دل تاریخ سرزمین گیل و دلمب شبیهی است اما در مسیر خود روایتگر اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی دوران ستم شاهی و ظلم‌هایی است که از سوی خان‌ها و اربابان دوران منحوس پهلوی بر رعیت‌ها و مردم مسلمان و دیندار گیلان تحمیل می‌شده. البته در این مجموعه سعی شده تا با محوریت قرار دادن این موضوع، مقاومت مردم در مقابل ظلم و ستم حاکمان زورگوی رژیم پهلوی یا دقت و ظرافت در قاب تلویزیون به تصویر کشیده شود و البته تا اندازه‌ای هم موفق است.

آنچه معمولاً در مجموعه‌های تاریخی اقوام بایستی به آن توجه اساسی شود دقت لازم به فرهنگ خاص منطقه، زبان، گویش، لهجه‌ها و نوع پوشش و بافت طبیعی و فضای زندگی مردم است. اما در این مجموعه به اندازه کافی دقت‌های لازم صورت نگرفته و بسیاری از سکانس‌ها و صحنه‌ها همخوانی با فضای فرهنگی و آداب و رسوم گیلان ندارند. اگرچه ما در این مجموعه شاهد ایفای نقش بازیگران مطرح و بنام سینما و تلویزیون کشورمان هستیم اما از آنجائیکه یک مجموعه تاریخی و فرهنگی بخصوص مجموعه‌ای که بناسبت معرف فرهنگ، سنت و آداب و رسوم گیلان زمین باشد نیازمند به هنرمندانی است که کاملاً آشنا به فرهنگ منطقه بوده و یا خود فرزند آن آب و خاک



دانشتان‌هایی که با الهام از این انگشتر نوشته شده‌اند، سه گانه معروف «ریاب حلقه‌ها»، نوشته «جی آر لالکین» است. تالکین که به عنوان یک مسیحی مذهبی، مطالعات زیادی روی کتاب مقدس داشت، در تخیلاتش از داستان‌های کتاب مقدس هم استفاده می‌کرد.

در پویانمایی شاه سلیمان اما، نه تنها اشارهای به قدرت‌های این انگشتر نمی‌شود، که جن ماجرا بدون هیچ مشکلی و به راحتی، می‌تواند آن را از دست شاه سلیمان در بیابورد و از قصر بیرونش کند!

نگاه‌سازنده این پویانمایی اسرائیلی به پیامبران الهی، دقیقاً نگاه صهیونیست‌ها است که پیامبران را فاقد معصومیت می‌دانند و هیچ اعتقادی به انسان کامل ندارند.

برای درک این مطلب می‌توان از خود تورات مثال آورد که به خاطر تحریفات خاخم‌های یهودی، رسماً به پیامبرای الهی مانند حضرت لوط، یعقوب، داوود و… مهمت‌های ناروا و غیر قابل بیان می‌زنند و معصومیت آن‌ها را زیر سؤال می‌برند. واقع از کنار هم گذاشتن تعدادی داستان تخیلی و افسانه در مورد حضرت سلیمان(ع) ساخته شده است، طبق یک داستان قدیمی، یک روز که حضرت سلیمان، انگشترش را از دستش در می‌آورد و به خیمتکارش می‌دهد، جنی خود را شبیه حضرت سلیمان در می‌آورد و با گرفتن انگشتر از خیمتکار، قدرت را به دست می‌گیرد تا اینکه بعد از ۴۰ روز فرشته‌های جن را به زیر می‌کشد و جن هم انگشتر را به دریا می‌اندازد… طی اتفاقی حضرت سلیمان از طریق ماهی که صید می‌کند، به انگشتر خودش که در شکم همان ماهی بود، می‌رسد و دوباره بر تخت پادشاهی‌اش می‌نشیند…

در ابتدا باید گفت که برای این داستان، هیچ سند موثقی وجود ندارد و منابع معتبر آن را تأیید نمی‌کنند(برای اثبات دروغ بودن این داستان می‌توان به این نکته اشاره کرد که جنیان با وجود قدرت تغییر قیافه، هرگز توان این را ندارند که خود را شبیه به پیامبر یا امام معصوم و اولیاء خاص خداوند در بیاورند، بعد باید اشاره کرد که انگشتر حضرت سلیمان، طبق روایت این پویانمایی، تنها یک انگشتر یادگاری است اما طبق روایات معتبر اسلامی، این انگشتر جزو ودایع نبوت و امامت است(ودایع نبوت و امامت، اشیائی هستند که تنها پیامبران و بعد از آن‌ها امام بر حق زمان، دارای آن‌ها است، برای مثال تابوت عهد، عصای موسی(ع)، انگشتر سلیمان(ع) و… تعدادی از این اشیاء هستند) که دست به دست بین پیامبران گشته است و در نهایت از طریق پیامبر خاتم(رس) به امامان شیعه رسیده استست و در زمان ظهور حضرت قائم(ع) که یکی از نشانه‌های شناخت آن حضرت، داشتن این ودایع است.

با توجه به داستان حضرت سلیمان در قرآن، ملکه سبا با همان بلقیس، به قدری با درایت و دانا بود که کنترل سربزیم، به قدرتی بود که وقتی پیام حضرت سلیمان به او می‌رسد، او را ترجیح می‌دهند خود ملکه در مورد رفتن به سمت فرستاده نامه یا آماده شدن برای جنگ با او، انتخاب کند. این داستان با قدرت نامحدودش، در چنان بین ادیان ابراهیمی منشعب‌ه‌است که در ادیان هم راه پیدا کرده است. از جمله معروف‌ترین

بانوی گیلاتی که می‌توانستند با فرهنگ و گویش خاص گیلان زمین ایفاگر نقش مادر بزرگ سوجان قسمت‌های پخش شده از مجموعه «سوجان» نشان داد که برخی از کاراکترهای اصلی این مجموعه مثل شخصیت اول داستان یعنی شخصیت مادر بزرگ سوجان که ثریا قاسمی ایفاگر نقش آن است به‌خوبی

اصلی گیلان است. به هر حال این موارد حاکی از این است که تولید آثار تاریخی برگرفته از اقوام ایرانی و فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مردم کار راحت و آسانی نیست و نیاز به تحقیق و پژوهش و استفاده از کارشناسان و محققان بومی و استثنائی دارد لذا می‌بایست برای تولید مجموعه‌ای مانند «سوجان» که از ارتباط

مستقیم و تنگاتنگ با فرهنگ اقوام گیلک و آداب و رسوم‌شان داشته تلاش بیشتری می‌شد. چراکه رسانه ملی در جهت انتقال فرهنگ ناب و خالص اقوام به نسل‌های آینده می‌کوشد و به نوعی می‌توان گفت که سازمان صداوسیما در مسیر فرهنگ سازی حرکت می‌کند و اگر در این مسیر درست حرکت نکند قطعاً به نسل‌های آینده آسیب فرهنگی وارد

دین حضرت سلیمان برود و همه چیز را سبک و سنگین کند و بعد تصمیم بگیرد. در نهایت هم وقتی عجایب حضرت سلیمان را می‌بیند، متوجه می‌شود که این اتفاقات نمی‌تواند اثر دست انسان یا سحر جادوگران باشد، به خاطر همین هم بلافاصله به خداوند یکتا ایمان می‌آورد.

در پویانمایی افسانه‌ه شاه سلیمان اما این شخصیت مهم تاریخی در قرآن، به صورت زنی سبک مغز نشان داده می‌شود و بازنتاب دیدگاه‌های منفی یهودیان در مورد زنان را به تصویر می‌کشد. **بنی اسرائیل و عشق به سحر و جادو**

طبق تاریخ، علاقه قوم بنی اسرائیل به جادو و سحر، از زمان رفتن به مصر بین‌شان رواج پیدا کرد و بعد از آن هم افرادی در میان این قوم، مانند «سامری» سحر و جادو را رها نکردند. سامری کسی بود که به محض طولانی شدن غیبت حضرت موسی(ع) از فرصت استفاده کرد و با همراهانش گوساله‌ای از طلا برای پرستش ساخت و با کمک سحر برای فریب مردم، از آن صدا خارج کرد.

این وضعیت به همین منوال بسود تا آنکه حضرت سلیمان از جانب خدا، به قدرت‌های خاص دست پیدا کرد و بعد نه تنها استفاده از سحر و جادو را منع کرد، که تمام اجنه را هم به بند کشید و هیچ کس جرات مخالفت با او را نداشت… در این‌جا می‌توان علت نفرت صهیونیست‌ها از این پیامبر الهی را کاملاً فهمید، چرا که طبق آیه ۱۰۲ سوره بقره:

«انها از آنچه شیاطین در عهد پادشاهی سلیمان بر مردم می‌خواندند، پیروی کردند، سلیمان هرگز کارگش نشد ولی شیاطین کافر شدند که به مردم جادو یاد می‌دادند…»



حضرت سلیمان (علیه‌السلام) با ساحران مبارزه کرد و کتاب‌ها و نسخه‌های آنها را گرفت که خاطر همین هم پس از رحلت حضرت سلیمان، همان ساحران شایعه پراکنی کردند که سلیمان به کمک سحر کارهای خارق‌العاده می‌کرده و او ساحر بزرگی بوده است.

معنای چنین سخنانی این بود که سلیمان به ناروا استفاده از سحر و جادو را منع کرده در حالی که خود از آن بهره‌مند می‌گردد تا برای است که آنها نمی‌خواستند ببیزیرند که آنچه سلیمان نبی انجام می‌داد به نوعی معجزات او بود که به اذن خداوند صورت می‌پذیرفت. البته استست که خداوند بی‌رحم خوار کردن جنیان و جادوگران، مرگ عجیبی برای حضرت سلیمان رقم زد تا ثابت کند تا وقتی پروردگار سلیمان را رها نمی‌کند.

صفحه ۸

دوشنبه ۳ دی ۱۴۰۳

۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۷۵۳



خواهد شد و بسیاری از آداب و رسوم محلی و بومی ما به فراموشی سپرده می‌شود.لذا بایستی ریل‌گذاری برای احیای فرهنگ اقوام و ترویج آداب و رسوم محلی و بومی در بین قشرهای جوان بهتر و بیشتر صورت گیرد که یکی از راه‌های این امر ساخت مجموعه‌های تلویزیونی مثل «سوجان» است. البته و فضای سبز گیلان، است که بسیار محدود و بسته فیلمبرداری شده‌است و در همین فضای محدود هم بسیاری از فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مردم روستاهای گیلان کمرنگ‌تر به نمایش در آمده است و این امر نشان از عدم آگاهی سازندگان این اثر از فرهنگ اصلی گیلان است.



در حال حاضر برای ادامه تولید مجموعه تلویزیونی «سوجان» وجود دارد تولید این مجموعه همان‌گونه که مسئولان سازمان صداوسیما برای ۳۰۰ قسمت آن برنامه‌ریزی کرده‌اند ادامه پیدا کند تا این اثر که در حال حاضر به عنوان طولانی‌ترین مجموعه تلویزیونی رساله ملی تلقی می‌شود به عنوان تولیدی فاخر و مخاطب پسند در قاب تلویزیون نقش ببندد.

اراده نکنند، هیچ جادوگر یا جنی نمی‌تواند چیزی را پیش‌بینی کند.

به خاطر همین هم حضرت سلیمان، در حالی که مشغول عبادت بود و به عصای خود تکیه داده بود، بی‌غرض روح شُدد و چون قلیش امر کرده بود کسی به او نزدیک نشود، تا چند روز بعد، کسی از مرگش با خبر نمی‌شود و در نهایت خاوند با دستور به موریانه برای خوردن چوب عصای این پیامبر، باعث افتادن جسم می‌جان‌حضرت سلیمان بر زمین می‌شود و آنجا بود که همه مدعیان پیام گوی، می‌فهمند نمی‌توانند بدون اذن خداوند، از غیب و اخبار آینده با خبر بشوند.

نقوذ وطره

در پویانمایی افسانه‌ه شاه سلیمان، تصویری که صهیونیست‌ها می‌خواهند از حضرت سلیمان نشان بدهند کاملاً مخالف با شخصیت واقعی اوست و با توجه به نوع نگاه سازنده، تهیه‌کنندگان می‌خواستند با تغییر واقعیت، نسخه‌خ ی مورد نظرشان را از این پیامبر الهی، به مخاطبین در دنیا، ارائه کنند.

جالب است که این پویانمایی، در سایت‌های مجاز مجازی کشورمان، به راحتی در دسترس است و چه چسا کودکان و نوجوانان بسیاری، از روایت جعلی از حضرت سلیمان را دیده‌اند و هیچ معنی هم برای جلوگیری از پخش محصولی که تولید اسرائیل است وجود ندارد چون سایت‌های داخلی در جای کشور سازنده، تنها نام مجارستان را می‌نویسند!

از طرف دیگر حدود یک سال پیش و مدت کمی بعد از شروع جنگ طوفان‌الاقصی، پویانمایی ایرانی «پنجه زنگ» با نام «ببر سخنگو» در اسرائیل به عنوان یک پویانمایی مالزبایی اکران شد و درآمد میلیون دلاری به دست آورد.

بعد از این اتفاق، صحبت‌های «حامد جعفری» تهیه‌کننده این پویانمایی که وعده داد، یک درصد از درآمد فروش را «به کودکان غزه و ایران» اختصاص می‌دهد، جنجالی شد و باعث خشم شدید اسرائیلی‌ها شد.

بعد از این ماجراها، شرکت پخش محصولات سینمایی با نام «رد کیپ» که یک شرکت، فارسی‌وست و در کار توزیع فیلم شهرت دارد، توضیح داد که انیمیشن بر سخنگو را از مالز، خریداری کرده است و صحبت‌ها در مورد ایرانی بودن و اختصاص سود فروشش برای کودکان غزه واقعیت ندارد!

رسانه‌های اسرائیلی اما با توضیحات رد کیپ، قانع نشدند و به عاملین این نقوذ حمله کردند. اعتراض کرد:

«مایه حیرت است که فیلم ایرانی که درآمد آن برای غزه است، در اسرائیل اکران می‌شود.» پویانمایی ایرانی، با پیام‌های مملو از خشونت، به سینمای اسرائیل رسوخ کرده است.» سایت «سروگگ» اسرائیل هم اکران این پویانمایی ایرانی را در اسرائیل، باعث حیرت نامید. با این توصیفات باید گفت که هر دو طرف جنگ سعی در نقوذ در سمت دیگری را دارند و ایسن درگیری فرهنگی، کساکان ادامه دارد و تا رسیدن به نتیجه نهایی، هیچ کدام از طرفین، میدان را رها نمی‌کنند.